

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷: ۴۹۷-۵۲۲

بررسی جامعه‌شناختی زیست اجتماعی زرتشتیان شهر تهران به‌عنوان یک

اقلیت مذهبی

سید حسین سراج‌زاده^۱

سمیه مؤمنی^۲

هادی درویشی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۹

چکیده

مسائل اقلیت‌های دینی از دهه هفتاد میلادی به این سو، به‌واسطه عواملی از جمله مهاجرت، تکثرگرایی و درهم‌آمیختگی به مسائل عمومی و چالش‌برانگیز جوامع غربی تبدیل شده است که یکی از این‌ها نحوه زیست اجتماعی آنان محسوب می‌شود. براین اساس این پرسش مطرح می‌شود که زیست اجتماعی اقلیت‌ها در جامعه ایران با داشتن حکومت اسلامی چگونه است؟ در مقاله پیش‌رو نحوه زیست اجتماعی زرتشتیان شهر تهران با استفاده از روش‌های مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه عمیق و مطالعات اسنادی بررسی شد. زیست اجتماعی زرتشتیان از خلال چهار مقوله «علل کاهش جمعیت زرتشتیان»، «تمایز میان خود و دیگری»، «به‌حاشیه رانده‌شدن» و «کنش‌ها برای به‌رسمیت شناخته‌شدن اجتماعی» تحلیل شد. نتیجه اینکه زرتشتیان سعی می‌کنند برای حفظ دین خود، به‌رسمیت شناخته‌شدن در جامعه و از دست ندادن حقوق قانونی، به شکلی کاملاً مسالمت‌آمیز در میان جامعه مسلمان ایرانی به زیست آرام خود ادامه دهند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد زرتشتیان در زمینه زیست اجتماعی، وضعیت خودبزه‌ای دارند و مشمول هیچ‌یک از دو الگوی همانندگری و چندفرهنگ‌گرایی نیستند.

واژه‌های کلیدی: به‌رسمیت شناخته‌شدن، چندفرهنگ‌گرایی، زرتشتیان، زیست اجتماعی، همانندگری.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، serajzadeh@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، somayehmomeni@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، hadidarvishi26@mu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مسائل اقلیت‌های دینی، قومی، نژادی، جنسیتی و... از دهه هفتاد میلادی به بعد، به واسطه عواملی از قبیل مهاجرت، تکثرگرایی، درهم آمیختگی و... به مسائل عمومی و چالش برانگیز جوامع غربی تبدیل شده است. یکی از این مسائل نحوه «زیست اجتماعی» آنان در جوامع میزبان است. مباحث مربوط به حجاب مسلمانان در فرانسه، ساخت مناره در سوئیس، گذاشتن کلاه بر سر به دست یهودیان، ساخت معابد جدید، تراکم سازمان‌های مذهبی، تأسیس رسانه‌های مذهبی و... نمونه‌هایی از مسائل و خواسته‌های اقلیت‌های مذهبی است (ایزنستد^۱، ۲۰۰۰: ۴۲؛ آلتیناردو^۲، ۲۰۱۰: ۵۲۲). این مسائل پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سمت و سوی دیگری به خود گرفت و در نتیجه حساسیت دولت‌ها را در مورد اقلیت‌ها به ویژه مسلمانان برانگیخت (امگار^۳ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲). مسلمانان نیز در واکنش به سیاست‌های دولت‌های غربی، خواستار کسب حقوق قانونی و به رسمیت شناخته شدن بیشتر از سوی جوامع میزبان شدند. هرچند سیاست‌های دولت‌های اروپایی در برخورد با این مسئله متغیر است.

وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران

جامعه کنونی به دلیل حضور اکثریت شهروند مسلمان و داشتن حکومت اسلامی از سایر جوامع متمایز است. از سوی دیگر، سه اقلیت دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند. این سه اقلیت از قرن‌ها پیش در ایران وجود داشته‌اند. «زرتشتیان حدود ۳۰ قرن، یهودیان حدود ۲۷ قرن و مسیحیان نزدیک به ۱۸ قرن است که در این کشور زندگی می‌کنند» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۵ و مشکور، ۱۳۷۲: ۲۸ و ۱۰۹). براین اساس این پرسش به وجود می‌آید که با توجه به ویژگی جامعه ایرانی، این اقلیت‌ها چگونه در جامعه‌ای با حاکمیت یک دین و مذهب رسمی زندگی می‌کنند؟ به عبارت دیگر، زیست اجتماعی اقلیت‌ها در جامعه ایران چگونه است و چطور در عین حفظ انسجام درونی، خود را با اکثریت جامعه منطبق می‌کنند؟

1. Social Life
2. Eisenstaedt
3. Altinordu
4. Amghar

به‌نظر می‌رسد مطالعه زیست اجتماعی اقلیت‌های دینی در ایران از چند جهت مهم است:

۱. رشد و گسترش اقلیت‌های دینی در اروپا، به‌ویژه مسلمانان و مباحثی که زیست دینی آن‌ها در جوامع میزبان برانگیخته است (به‌عنوان نمونه: بحث حجاب زنان مسلمان در فرانسه، ممانعت دولت سوئیس از ساختن مناره‌ها و...) توجه به اقلیت‌ها و نقش آن‌ها را در جوامع اروپایی به اخبار اول رسانه‌ها تبدیل کرده و این موضوع در مطالعات جامعه‌شناختی دین نیز اهمیت یافته است.
۲. ایران کشوری چندقومیتی^۱ و چندفرهنگی^۲ است که از نظر دینی تنوع زیادی دارد. اقلیت‌های دینی به‌عنوان واقعیتهای اجتماعی بر جامعه تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. قانون اساسی نیز در اصول ۱۳ و ۱۴ وجود این اقلیت‌ها را به رسمیت شناخته است.
۳. پژوهش‌های جامعه‌شناختی درباره دین در ایران، همواره درخصوص دین رسمی و رایج و برپایه باور بیشتر مردم انجام می‌شود، اما درباره اقلیت‌های دینی پژوهش‌های زیادی انجام نشده است.
۴. شناخت مطالعه زیست اجتماعی اقلیت‌های دینی در جامعه ایرانی می‌تواند راهی برای سازماندهی مؤثرتر روابط میان ادیان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آنان باشد. درحقیقت، ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف برای ثبات و پیشرفت جامعه امری مهم به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، با آگاهی از زندگی اجتماعی این هم‌وطنان می‌توان به شناخت و درک متقابل بهتر میان جامعه اکثریت و اقلیت پرداخت.

در پژوهش پیش‌رو، از میان سه اقلیت قانونی موجود در ایران، زرتشتیان به‌دلیل مهاجرنبودن و داشتن سابقه بیشتر از یهودیان و مسیحیان انتخاب شدند و زیست اجتماعی آنان در شهر تهران مطالعه شد؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش درباره چگونگی زیست اجتماعی اقلیت زرتشتیان در این شهر است.

1. Multi-ethnic
2. Multicultural

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

به‌طورکلی می‌توان پژوهش‌های مربوط به زرتشتیان را به‌عنوان اقلیتی دینی، به پنج دسته مطالعات تاریخی، زبان و فرهنگ‌های باستانی، هنر و معماری، حقوق و علوم سیاسی و علوم اجتماعی تقسیم کرد که از این میان، پژوهش‌های علوم اجتماعی بررسی شده است.

جمشید کیومرثی (۱۳۸۲) در مطالعه «زرتشتیان از دوران مشروطه تا امروز» چگونگی اسکان زرتشتیان را در تهران بررسی کرد و چون خود زرتشتی بود زیست درونی اقلیت زرتشتی را درمورد جشن‌ها به‌خوبی توصیف کرد، اما به بیان آن نپرداخت.

مریم پرویزنیا (۱۳۷۹) در «بررسی وضعیت زرتشتیان در ایران» به توصیفی از آیین‌ها، جشن‌ها و مناسک زرتشتی در میان زرتشتیان تهران ساکن منطقه جمال‌الدین اسدآبادی پرداخت. روش این مطالعه پیمایشی است و در آن به مشکلات زرتشتیان اشاره شده است. در این پژوهش اطلاعات مفیدی درباره آیین‌ها، به‌ویژه آیین پرسه (مراسم سوگواری) جمع‌آوری شده است.

با بررسی پایان‌نامه‌های مرتبط با حوزه علوم اجتماعی نتیجه گرفتیم که بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه درباره رشته‌های دیگر علوم اجتماعی مانند مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی^۱ است که در آن‌ها به بررسی آیین‌ها و مراسم دین زرتشتی پرداخته شده است.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- زهره محمدیان مغایر (۱۳۷۹)، تحلیل کارکردی جشن گهنبار در میان زرتشتیان، نمونه مورد بررسی: زرتشتیان شریف‌آباد، کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه تهران.
- فاطمه جزاغلامی (۱۳۸۱)، تحلیل مردم‌شناختی مقایسه خانواده و خویشاوندی در شیعیان و زرتشتیان مقیم تهران، کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- مهدی اشجعی (۱۳۳۷)، بررسی وضعیت ازدواج و روش‌های مربوط به آن نزد زرتشتیان ایران، کارشناسی ارشد مردم‌شناسی دانشگاه تهران.
- مرتضی نجفی یزدی (۱۳۵۶)، مطالعه مردم‌شناسی زرتشتیان قریه حسن‌آباد میبد، کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه تهران.

پژوهش‌های خارجی

در آوریل ۲۰۱۱، کنفرانسی با موضوع رؤیت‌پذیری و به‌رسمیت شناخته‌شدن اقلیت‌های دینی در فرانسه برگزار شد^۱ که در آن حدود دوازده مقاله ارائه شد که بیشتر آن‌ها مطالعه موردی و صرفاً توصیفی بود. در ادامه تعدادی از آن‌ها آمده است.

اریک مولن در بررسی «انشعابات مذهبی در محدوده عقل دولت»^۲ نتیجه گرفت که بیشتر اوقات، اکثریت حاکم به رؤیت‌پذیری اجتماعی توجهی ندارد و تحت عنوان مذهب، این جریان برجسته می‌شود و مذهب از همه‌چیز مهم‌تر به‌شمار می‌آید. در اینجا مسئله پایین‌دست‌بودن اقلیت و تابع‌دیگری‌بودن مطرح می‌شود؛ به‌طوری‌که اقلیت مدام مجبور است به اکثریت بدهکار باشد؛ از این‌رو حالت برتری و سلسله‌مراتبی در میان اقلیت و اکثریت پیوسته وجود دارد.

ایزابل ریگونی در بررسی «اسلام رسانه‌ای، استراتژی‌های رؤیت‌پذیرشدن»^۳ در فرانسه، آلمان و انگلیس از سال ۲۰۰۱ به بعد نتیجه می‌گیرد رؤیت‌پذیری مسلمانان در اروپا فرایندی چند دهه‌ای به‌شمار می‌آید که ابتدا با ایجاد انجمن‌ها و مساجد برجسته شد. سپس توسعه حجاب و فروشگاه‌های اجناس حلال برای مسلمانان، سبب شد تا دین و فرهنگ بیشتر در رسانه‌ها مدنظر قرار بگیرد. از نظر وی باید دید مسلمانان از چه راهبردهایی برای رؤیت‌پذیرکردن خود استفاده می‌کنند. ثمیم اگگنول^۴ در جمع‌بندی خود از این کنفرانس، نکات زیر را درباره اقلیت‌های مذهبی به‌عنوان نتایج سخنرانی‌ها مطرح کرد:

۱. تعریف اقلیت مذهبی، مسئله هویت را پیش می‌آورد. در تعریف اقلیت‌ها مذهب، ملیت، قومیت و حتی طبقه اجتماعی مطرح می‌شود؛ مثلاً طبقه مذهبی سبب تعلق به طبقه اجتماعی

- محمدرضا ایمانی (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی عناصر و نمادهای مقدس در فرهنگ ارامنه و زرتشتیان تهران،

کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

1. Minorités Religieuses, Religions Minoritaires: Visibilité Et Reconnaissance Dans L'espace Public Colloque Des 7-8 Avril 2011, Strasbourg.

2. Éric Maulin (Université De Strasbourg / UMR 7012 PRISME-SDRE): "La Dissidence Religieuse Dans Les Limites De La Raison d'Etat".

3. Isabelle Rigoni (MIGRINTER): "L'islam Médiatique. Stratégies De Visibilisation"

4. Samim Akgönül.

می‌شود یا برعکس. در مورد اینکه آیا تعداد برای در موقعیت اقلیت بودن شرط است؟ لزوماً نه؛ زیرا بسیاری از اقلیت‌ها در جامعه از نظر تعداد، اندک، اما قدرتمند و حاکم‌اند.

۲. مسئله دیگر این رابطه به رسمیت شناخته شدن است که باید قضایی و دولتی باشد و البته سبب وضع برخی قوانین مثبت و منفی می‌شود. ترجیح دولت این است که قانون، واحدی همبسته باشد؛ بنابراین، درگیری‌هایی مبنی بر اینکه چه کسی نماینده مخاطب دولت باشد به وجود می‌آید.

۳. مسئله بعد این است که دولت‌ها چه سیاست‌هایی را برای اقلیت‌ها وضع می‌کنند و حکومت‌ها چگونه باید با اقلیت‌ها برخورد کنند؟ تحول گروه‌های اقلیت چگونه است؟ اقلیت‌ها چه نهادهایی را به وجود آورده‌اند و چه رسانه‌هایی را ایجاد کرده‌اند؟ چه چیزی را در رسانه‌هایشان نشان می‌دهند؟ در این میان، رسانه‌ها نقشی اساسی دارند. اینترنت نیز در دنیای امروز اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان دریافت مطالعات چندانی با رویکرد جامعه‌شناختی درباره زیست اجتماعی اقلیت‌ها و زرتشتیان ایران صورت نگرفته است. در نتیجه با توجه به اهمیت موضوع و خلأ پژوهش‌های علوم اجتماعی در این زمینه، در مقاله پیش‌رو با رویکردی جامعه‌شناختی و از خلال مسائلی از قبیل اشتغال، ازدواج، تحصیل، پراکندگی محل زندگی در تهران، تصور زرتشتیان از خود در جامعه‌ای مسلمان و... به مسئله زیست اجتماعی اقلیت زرتشتیان در شهر تهران پرداخته شد.

پیشینه مفهومی

مفهوم اصلی این پژوهش «زیست اجتماعی» است که از خلال مفاهیم «هماندگری»، «چندفرهنگ‌گرایی» و «به رسمیت شناخته شدن» بررسی شده است. در خصوص سیاست دولت‌ها درباره زیست اجتماعی اقلیت‌ها دو تیپ ایده‌آل وجود دارد. برخی کشورها سیاست یکسان‌سازی را درپیش گرفته‌اند و سعی دارند اقلیت و اکثریت را در جامعه یکسان کنند (هماندگری)^۱. برخی دیگر، سیاست چندفرهنگی را پیش می‌گیرند و بدین طریق به همه

قومیت‌ها و اقلیت‌ها اجازه حضور در جامعه را می‌دهند (چندفرهنگ‌گرایی^۱). در ادامه به بررسی این دو تیپ ایده‌آل پرداخته شده است.

الف) همانندگری

از دیدگاه بروبیگر^۲ همانندگری می‌تواند به فرایند کامل جذب مربوط باشد. این امر از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های ادغام اجباری با تکیه بر این ایده صورت می‌گیرد که مهاجران و اقلیت‌ها کاملاً در هنجارها و ارزش‌های جامعه میزبان جذب شده‌اند (برویگر، ۲۰۰۳). باید توجه داشت که همانندگری نیازهای ساختاری اقلیت‌ها را در نظر نمی‌گیرد. به عقیده گیدنز در این حالت، اقلیت‌ها عادات و رسوم اولیه خود را رها می‌کنند و رفتارهایشان را در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل می‌دهند؛ از این‌رو نسل‌های بعد شباهت بیشتری با جامعه اکثریت پیدا می‌کنند (گیدنز^۳، ۱۳۸۲: ۳۰۸). همانندگری پیش‌شرط تحقق جامعه واحد انسانی است که معضلاتی از جمله پی‌ریزی ادغام منطقه‌ای و همگن‌سازی فرهنگی را به وجود می‌آورد. همگن‌سازی فرهنگی به برابری و هم‌سطح‌سازی ختم می‌شود که به محرومیت بشریت از گنجینه‌های ارزشمندی مانند تنوع، تکثر و تفاوت می‌انجامد.

در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر مانند بریتانیا سیاست هم‌سانی با اقلیت‌ها در پیش گرفتند و انتظار داشتند آن‌ها فرهنگ‌ها و سنت‌های خود را کنار بگذارند و به فرهنگ جامعه میزبان شبیه شوند. امروزه سیاست‌های تشابه در فرانسه سعی دارد که همه مذاهب و قومیت‌ها را در سطح جامعه به هم شبیه و یکدست کند. برای این منظور از مدارس و نهادهای دولتی، و قانون لائسیسته استفاده می‌کند که به‌موجب آن هیچ مذهبی در این مکان‌ها حق نمایاندن خود را ندارد و از رؤیت‌پذیری همه ادیان در این مراکز جلوگیری می‌شود. از دیدگاه واستا، ایده اصلی در فرانسه این است که همه اقلیت‌ها و مهاجران براساس زبان واحد و ناسیونالیسم مدنی به جامعه فرانسوی شبیه شوند (واستا^۴، ۲۰۰۷: ۵).

1. Multiculturalism
2. Brubaker
3. Giddenz
4. Ellie Vasta

ب) چندفرهنگ‌گرایی

کشورهایی مانند استرالیا، کانادا و سوئد در دهه ۱۹۷۰، چندفرهنگ‌گرایی را به‌عنوان سیاست‌های رسمی خود برای مهاجران اعلام کردند (همان، ۷). از سوی دیگر، در دهه‌های ۷۰-۸۰ میلادی در انگلیس، مباحث فراوانی پیرامون عرصه سیاست و تعلیم و تربیت چندفرهنگی به‌وجود آمد و دیدگاه غالب، تفسیری از انسجام ارائه داد که به تدریج مسئولان سیاسی نیز آن را پذیرفتند. چنانکه به رسمیت شناختن تنوعات در دهه ۸۰ شدت بیشتری یافت و حتی «داگلاس هرد» نخست‌وزیر آن زمان بریتانیا بر ضروری نبودن ترک سنن و دین و خصوصیات فرهنگی مهاجران تأکید کرد. همچنین کمیسیون‌هایی که موضوع را بررسی می‌کردند به نقطه‌ای مشترک رسیدند. نخست اینکه درباره دین بر حرمت و احترام برابر و ارائه تصویر مثبت از همه و در کنار آن اعطای امتیازات چندفرهنگی بر اقلیت‌های قومی نظر دادند. دوم اینکه توصیه کردند در مدارس هرگز موقعیتی پیش نیاید که از شاگردان بخواهند بر شیوه‌ای مغایر با عقاید مذهبی‌شان عمل کنند (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۲۸-۳۰).

در چند فرهنگ‌گرایی می‌توان دو اصل «مشارکت و تساوی اجتماعی» و «به‌رسمیت شناخته‌شدن فرهنگی» را در نظر گرفت. اصل اول مبنی بر این است که مشارکت مهاجران در همه نهادهای اجتماعی مانند بازار کار، سیستم آموزشی و... برای رسیدن به برابری اجتماعی ضروری است. برای اجرای این امر باید سیاست‌های حکومتی اعتماد مهاجران را جلب کنند و از دستیابی به حقوق گوناگون مانند فرصت‌های برابر و ضدتبعیض به آن‌ها اطمینان دهند. همچنین به آن‌ها اجازه دهند تا در ظرفیت فرهنگی (زبان اصلی و دانش فرهنگی) و ظرفیت انسانی (آموزش، دستیابی به شغل مناسب و...) حضور یابند که این امر مستلزم مشارکت در جامعه میزبان است.

اصل مهم دوم این است که مهاجران حق دارند دین، زبان و تأسیس انجمن‌های خود را دنبال کنند. این اصل به تفاوت‌های فرهنگی احترام می‌گذارد و شامل به‌رسمیت شناخته‌شدن فرهنگی می‌شود (واستا، ۲۰۰۷: ۷-۸). گیدنز این مدل را کثرت‌گرایی فرهنگی معرفی می‌کند. در این دیدگاه جامعه به سمت جامعه‌ای حقیقتاً چندقومی پیش می‌رود که در آن اعتبار مساوی خرده‌فرهنگ‌های گوناگون به رسمیت شناخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۲: ۳۰۸).

برای فهم زیست اجتماعی زرتشتیان در جامعه شیعی ایران باید دید کشور ما در کدام الگو قرار می‌گیرد و در برخورد با اقلیت‌های مذهبی رسمی به چه سیاستی توجه می‌کند. مفهوم بسیار مرتبط دیگر با زیست اجتماعی «به‌رسمیت شناخته‌شدن»^۱ است که در ادامه بیان می‌شود.

ج) به‌رسمیت شناخته‌شدن

«نانسی فرز»^۲ فیلسوف و جامعه‌شناس آمریکایی، در کتاب خود *بازشناسایی یا بازتوزیع* بیان می‌کند مبارزات سیاسی مدرن در مدت دو قرن، برای توزیع ثروت بوده است، اما امروزه برای به‌رسمیت شناخته‌شدن صورت می‌گیرد. حتی می‌توان گفت مبارزات طبقاتی-اجتماعی، در نهایت برای به‌رسمیت شناخته‌شدن بوده‌اند. موقعیتی که به تعبیر اکسل هونت این حس را به‌وجود می‌آورد که ما در «جامعه تحقیر» زندگی می‌کنیم که در آن به فرد احترام گذاشته نمی‌شود. هونت می‌گوید ما می‌خواهیم از شناخته‌نشدن و نادیده‌گرفتن دور بمانیم. برخی معتقدند این نظریه می‌تواند مبنای نظریه جدیدی از عدالت اجتماعی شود» (شریعتی، ۱۳۸۸).

به‌رسمیت شناخته‌شدن یکی از مهم‌ترین مفاهیم جدید است و اکسل هونت از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این مفهوم در دهه اخیر به‌شمار می‌آید. وی از نسل سوم فرانکفورتی‌ها و متأثر از هگل، این مفهوم را با برابری اجتماعی مساوی می‌داند. همچنین سه سطح برای به‌رسمیت شناخته‌شدن قائل می‌شود: عشق، قانون، هم‌بستگی. سطح اول زمانی است که مادر عشق خود را به فرزند می‌دهد. در این هنگام می‌تواند خود را به‌شمار آورد. در مرحله دوم جامعه فرد را به‌رسمیت می‌شناسد. در غیر این صورت او برای مبارزه مدنی و اجتماعی اقدام می‌کند یا به سمت بزهکاری و انحراف می‌رود. مرحله سوم زمانی است که فرد اعتماد به نفس دارد و جامعه هم او را به‌رسمیت بشناسد. در این هنگام نقطه غایی و ارزشی شخصیت شکل می‌گیرد. در نتیجه فرد علاوه بر اینکه به‌رسمیت شناخته می‌شود، می‌خواهد هویت فردی متمایز از هویت اجتماعی داشته باشد و خواستار این است که دیگران این هویت را به‌رسمیت بشناسند. در واقع او مدعی ارائه چیزی است که انتظار دارد جامعه به‌رسمیت بشناسد (مصباحیان، ۱۳۹۰).

1. Recognition
2. Nancy Fraser

برابرتی^۱ به انواع متفاوت به رسمیت شناخته شدن در طول کنش متقابل نمادین اجتماعی توجه کرده است و چهار نوع مقوله‌ای (نوعی)^۲، فردی^۳، خصوصی^۴ و نمایشی^۵ برای این مفهوم معرفی می‌کند. به رسمیت شناخته شدن مقوله‌ای (نوعی) مفهوم ساده‌ای است که برای طبقه‌بندی معمولی افراد در جامعه به کار می‌رود. در واقع نوعی به رسمیت شناخته شدن «شهری» است که در میان غریبه‌ها (افرادی که در آن جامعه زندگی نمی‌کنند)، قابل انتقال است. در این مفهوم، افراد همدیگر را به رسمیت می‌شناسند و خود را از طریق دسته‌بندی‌های اجتماعی برای دیگران قابل رؤیت می‌کنند. البته این نوع همیشه به کلیشه‌ای کردن (قالبی کردن) نزدیک است. نوع دوم، به رسمیت شناخته شدن فردی (منحصربه‌فرد) است که تنها برای مردم مشهور صورت می‌گیرد که البته به رسمیت شناخته شدن فردی یا شناسایی هویت نیست. شناسایی هویت به شکل نوعی در دولت‌ها و با توجه به جمعیت انجام می‌شود. همچنین کامل‌ترین وسیله طبقه‌بندی و کنترل جمعیت است. با این حال از قرن ۱۹ به بعد این نوع به رسمیت شناختن با صدور کارت‌های شناسایی (شناسنامه) و کارت‌های هویت از ادارات ثبت انجام شد.

نوع سوم به رسمیت شناخته شدن خصوصی و ناشی از چیزی است که به طور معمول «آشنایی شخصی»^۶ نامیده می‌شود. گافمن توصیفی دقیق از هنجارهای مربوط به آشنایی، به ویژه حق آغاز رابطه‌ای مستقیم در به رسمیت شناخته شدن شخصی بیان کرد؛ برای مثال زمانی که در محیط شهری آدرسی به کسی می‌دهیم، نوعی روابط تنظیم شده در این میان وجود دارد، اما در به رسمیت شناختن شخصی در این رابطه حق عکس‌العمل‌های نامحدودی وجود دارد. در واقع، بیشترین تعاملات میان مردم در خیابان‌ها براساس آشنایی مشخص شده ایده‌آل تیپ‌هاست (برابرتی، ۲۰۱۰: ۵۳-۵۴). این بحث را آلفرد شوتس^۷، جامعه‌شناس پدیدارشناس به خوبی توضیح داده است. به عقیده وی چهار نوع قلمرو اجتماعی وجود دارد: جهان گذشتگان^۸، جهان

1. Andrea Mubi Brighenti
2. Categorical
3. Individual
4. Personal
5. Spectacular
6. Personal Acquaintanceship
7. Alfred Schütz
8. Vorwelt

جهان آیندگان^۱، جهان معاصران مبنی بر تجربه^۲ مستقیم^۳ و جهان معاصران مبنی بر تجربه غیرمستقیم^۳ که از میان این‌ها تنها می‌توان جهان اجتماعی مبنی بر تجربه غیرمستقیم را از نظر علمی بررسی کرد؛ زیرا قلمرویی از جهان اجتماعی است که در آن انسان‌ها معمولاً با کنشگران واقعی روبه‌رو نمی‌شوند، بلکه با نمونه‌های نوعی یا با ساختارهای اجتماعی گسترده‌تر سروکار دارند. دانش افراد از این جهان تقریباً ثابت است و به میزان اینکه روابط انسان‌ها ناشناخته‌تر باشد، این جهان بیشتر می‌تواند بررسی شود (ریترز، ۱۳۸۴: ۳۳۶-۳۳۸).

در نهایت آخرین نوع به رسمیت شناخته‌شدن نمایشی است که با تمایز میان حوزه‌های معمول و غیرمعمول یا میان عرفی و قدسی مرتبط است. به رسمیت شناختن نمایشی در زندگی روزمره بیشتر با شهرت افراد پیوند دارد. براساس دیدگاه فرز^۴ درحالی که افراد مشهور آشنایان شخصی هواداران نیستند، هواداران آن‌ها احساس می‌کنند که در این موقعیت قرار دارند، اما در واقعیت امر هیچ ارتباط مستقیمی براساس آشنایی شخصی میان آن‌ها به وجود نمی‌آید که این مسئله ویژگی متمایز این نوع به رسمیت شناختن است (برایتی، ۲۰۱۰: ۵۴).

با توجه به آنچه بیان شد باید توجه داشت زرتشتیان چگونه و با چه سازوکارهایی در کنار زیست اجتماعی خود خواستار به رسمیت شناخته‌شدن در شهر تهران هستند و از میان دو سیاست‌گذاری همانندگری و چندفرهنگ‌گرایی مشمول کدام یک می‌شوند.

روش‌شناسی پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، تاکنون پژوهش‌های جامعه‌شناختی کافی در حوزه زیست اجتماعی زرتشتیان صورت نگرفته است؛ بنابراین، پژوهش حاضر جنبه‌ای اکتشافی دارد و با نگاهی نو به زیست اجتماعی اقلیت زرتشتیان در شهر تهران می‌پردازد. از آنجا که در جامعه ایران اقلیت‌ها با حساسیت‌های سیاسی-اجتماعی مواجه هستند و جلب اعتماد میان آن‌ها مستلزم استفاده از راهبردهای خاص است، نمی‌توان با روش‌های کمی به هدف پژوهش دست یافت.

با توجه به نکات ذکرشده، پژوهش با رویکردی کیفی در بستر پژوهشی اکتشافی وارد

1. Folgwelt
2. Umwelt
3. Mitwelt
4. Ferris

میدان شده و از مشاهده و مصاحبه اکتشافی استفاده کرده است. سپس با کمک روش نمونه‌گیری نظری، داده‌ها را در بستر پژوهشی توصیفی از طریق فنون مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه و مطالعات اسنادی به دست آورده و در نهایت داده‌ها را با استخراج مقولات، تحلیل و تفسیر کرده است. خلاصه روش‌های ذکر شده در جدول ۱ آمده است. در این پژوهش، در مجموع با یازده نفر به مدت ۶۵۸ دقیقه (۱۰ ساعت و ۹ دقیقه) مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها از نوع مصاحبه مسئله‌محور^۱ و نیمه‌ساخت یافته^۲ بود. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱. مشخصات روشی

روش	مورد استفاده در پژوهش مراحل
رویکرد کیفی	رویکرد کلی پژوهش
مصاحبه و مشاهده	مرحله اکتشافی و توصیفی
نمونه‌گیری نظری	روش نمونه‌گیری
مشاهده (مشارکتی)، مصاحبه و مطالعات اسنادی	روش جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها

جدول ۲. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

تعداد	سطح سواد	سطح اطلاع	سن	زمان مصاحبه
۵ نفر زنان	فوق لیسانس (۱)، لیسانس	مطلع ^۳ (۳)	۲۸، ۳۴، ۴۲	۳۰۵ دقیقه (۵ ساعت و ۵ دقیقه)
	(۳)، دیپلم (۱)	عادی (۲)	۴۵، ۴۶	
۶ نفر مردان	لیسانس (۴)، فوق‌دیپلم (۱)، دانش‌آموز (۱)	مطلع (۴) عادی (۲)	۱۸، ۴۰، ۴۰ ۵۲، ۵۶، ۶۸	۳۵۳ دقیقه (۵ ساعت و ۵۳ دقیقه)

1. Problem-centered
2. Semistructured Interview

۳. مطلع کسی است که در جامعه زرتشتیان فعال است و مسئولیتی برعهده دارد.

یافته‌ها

در بخش یافته‌ها با توجه به پیشینه مفهومی و یازده مصاحبه، زیست اجتماعی زرتشتیان از خلال مقولاتی از قبیل «علل کاهش جمعیت زرتشتیان»، «تمایز میان خود و دیگری»، «به حاشیه رانده‌شدن» و «کنش‌ها برای به‌رسمیت شناخته‌شدن اجتماعی» بررسی می‌شود.

الف) علل کاهش جمعیت زرتشتیان

با مراجعه به سایت مرکز آمار، جمعیت زرتشتیان ایران و تهران از سال ۱۳۳۵ در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. جمعیت زرتشتیان ایران و تهران

سال	جمعیت کل ایران	جمعیت کل تهران	زرتشتیان ایران	زرتشتیان تهران
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۵۱۲۰۸۲	۱۵۶۲۲	-
۱۳۴۵	۲۵۰۸۷۹۲۳	۲۸۲۷۸۰۰	۱۹۸۱۶	۹۳۸۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	-	۲۱۴۰۰	-
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۵۸۲۰۷	۹۰۸۹۱	۲۰۶۸۹
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۱	۶۷۵۸۸۴۵	۲۷۹۲۰	۱۰۶۴۰
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۷۷۱۱۲۳۰	۱۹۸۲۳	۹۸۶۷
۱۳۹۰	۷۴۶۸۲۸۴۲	۸۲۹۳۱۴۰	۲۵۲۷۱	۱۱۰۰۰

با توجه به جدول ۳ می‌توان گفت جمعیت این اقلیت از دهه شصت شمسی کاهش یافته است که می‌توان دلایل اصلی آن را تمایل به داشتن فرزند کم در خانواده‌ها و مهاجرت دانست. تعداد فرزندان خانواده‌های زرتشتی به‌ویژه نسل جدید، معمولاً از دو نفر بیشتر نیست. البته این مسئله در بیشتر خانواده‌های ایرانی نیز جدا از نوع مذهب رواج دارد. با توجه به اینکه یکی از دلایل مهم اقلیت‌بودن گروهی تعداد جمعیت است و اغلب گروه‌های اقلیت سعی می‌کنند جمعیت خود را افزایش دهند، زرتشتیان حتی با تشویق رهبران، رغبت چندانی به فرزندآوری و افزایش میزان جمعیت خود ندارند.

«از طرفی خانواده‌ها به خصوص تو این یکی دو نسل گذشته، خیلی کم بچه میارن. یکی یا دو بچه تا امکانات برای تحصیل فرزند خیلی بالا بره» [۶].^۱

شاید مهم‌ترین دلیل جمعیت کم زرتشتیان از دهه شصت شمسی به بعد مهاجرت باشد که «حمایت سازمان هایاس»، «محدودیت‌های فرهنگی- اجتماعی» و «فردگرایی غالب بر جمع‌گرایی» در این امر دخیل است.

«الان مهاجرت هم باعث شده اکثریت ما برن و جمعیتمون پراکنده بشه. تقریباً تموم دخترخاله‌هام و... رفتن آمریکا» [۲].

هایاس سازمانی است که از چندین سال پیش، جذب اقلیت‌های مذهبی را در ایران آغاز کرده است؛ به طوری که فرد اقلیت تنها با سه هزار دلار می‌تواند اقامت آمریکا را بگیرد. البته به نظر می‌رسد این سازمان برای جذب ایرانیان یهودی به کشور اسرائیل تشکیل شده است، اما از دیگر اقلیت‌ها نیز برای رفتن به کشورهای اروپایی و آمریکایی حمایت می‌کند.

«خب می‌دونید که یه راهی برای اقلیت‌ها باز شده که می‌تونن با حداقل هزینه برن آمریکا... سازمان هایاس که اقلیت‌ها رو حمایت می‌کنه و اونا رو خارج از ایران می‌بره، ده، پونزده سالی هست که داره این کارو می‌کنه» [۲].

مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های فرهنگی یکی دیگر از عوامل مهاجرت در میان زرتشتیان است. به‌ویژه افرادی که اکثریت خاموش آن‌ها را تشکیل می‌دهند، در این جامعه غیرفعال‌اند و حس تعلق کمی به سایر افراد جامعه خود دارند.

«خب طرف اینجا می‌خواد یه جایی استخدام بشه نمی‌تونه. می‌خواد یه کار تولیدی راه بندازه، اجازه نمی‌دن. بعد این آدم می‌تونه بره سفارت اتریش، درخواست پناهندگی کنه، ۶ ماه بعدش می‌ره آمریکا و ۵ سال بعد سیتیزن می‌شه و می‌تونه بهترین تحصیلات رو برای بچه‌هاش فراهم کنه» [۶]

سومین دلیل مهاجرت زرتشتیان، افزایش فردگرایی و غلبه آن بر جمع‌گرایی است. توجه به خود مهم‌تر از حس تعلق به گروه است، حتی این موضوع در میان متصدیان جامعه زرتشتی که

۱. به دلیل تمایل نداشتن مصاحبه‌شوندگان به ذکر نامشان، شماره ۱ تا ۱۱ جایگزین نام آن‌ها شده است.

برای حفظ جامعه تلاش می‌کنند وجود دارد با این تفکر که «من مسئولیت‌م را در قبال جامعه انجام داده‌ام».

به اعتقاد مرادیان (۱۳۸۹) افزایش فردگرایی در میان زرتشتیان با کم‌شدن باورها و اعتقادات مذهبی برابر است.

«بله من حاضرم اگه بتونم برم [مهاجرت کنم]، اما الان به‌خاطر بچه‌هام نمی‌تونم؛ چون اونا سربازی نرفتن و الان هم دارن ادامه تحصیل می‌دن» [۱].

«فکر می‌کنید دلیل اینکه افراد حاضر می‌شن جامعه رو ترک کنن چیه؟ خب اون فردگراییه که از حس عرق ملی خیلی قوی‌تره» [۶].

ب) تمایز میان خود و دیگری (حس برتری به مسلمانان)

اقلیت‌ها برای داشتن هویت مستقل از دیگر افراد جامعه و به‌منظور برجسته‌ترکردن دین خود و حفظ آن، تمایزی میان خود و مسلمانان قائل می‌شوند، صفاتی را به خود نسبت می‌دهند و بر آن تأکید می‌کنند. براساس مشاهدات و مصاحبه‌ها زرتشتیان خود را با این ویژگی‌های برتر از مسلمانان جدا می‌کنند. آن‌ها این صفات را برای خود قائل‌اند و معتقدند خیلی از مسلمانان درباره آن‌ها این‌گونه فکر می‌کنند. این هویت‌گرایی می‌تواند یکی دیگر از عواملی باشد که سبب فاصله‌گیری آن‌ها از مسلمانان شود. براساس نظر جرج هربرتمید تصور از خود به دو قسمت «I» و «me» تقسیم می‌شود. «I» یا «من» تصویری است که این اقلیت درباره خود دارد و «me» یا «خودم»، تصویری است که زرتشتیان از برداشت‌های دیگران از خود دارند.

«I» یا «من» نزد زرتشتیان نقشی پررنگ دارد. آن‌ها برخی صفات را به خود نسبت می‌دهند و بر آن تأکید می‌کنند. همچنین این مفهوم را از کودکی به فرزندان خود می‌آموزند. از جمله این صفات که از مصاحبه‌ها و مشاهدات به‌دست آورده شده است، عبارت‌اند از: تأکید بر راستی، تأکید بر فقیرنبودن، تأکید بر ساده‌پوشی و ساده‌زیستی، تأکید بر باورها و اعتقادات خود و تأکید بر داشتن روابط افقی با یکدیگر در جامعه زرتشتی به‌جای روابط سلسله‌مراتبی.

به‌نظر می‌رسد فرد زرتشتی با خودپنداره‌ای که از خود دارد، به‌نوعی خود را برتر از یک مسلمان می‌داند. او خود و جامعه‌اش را راست‌گوتر و درست‌کردارتر می‌داند و برای صحت

گفته‌هایش به نگاه مسلمانان به خود و آموزه‌های دینی‌اش ارجاع می‌دهد؛ بنابراین سعی می‌کند جامعه خود را بسته نگاه دارد و آن را به سمت درون‌همسری و درون‌گرایی سوق دهد.

درون‌همسری

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرد زرتشتی که با مسلمان ازدواج می‌کند، باید مسلمان شود؛ از این رو زرتشتیان برای حفظ دین و حفظ جامعه و ارزش‌ها و باورهای خود سعی می‌کنند ازدواج‌های درون‌همسری داشته باشند؛ پس تا جایی که بتوانند فردی را که ازدواج برون‌گروهی دارد، طرد یا تهدید به طرد می‌کنند.

«زرتشتی اقلیت. برای همین حساسه که جوونش وارد یه دین دیگه بشه؛ چون الان مهاجرت هم باعث شده اکثریت ما برن. جامعه هم برای حفظ خودش کسایی رو که برن مسلمون بشن طرد می‌کنه» [۲].

میل به درون‌گرایی

این میل در میان زرتشتیان را می‌توان در دو مورد مشاهده کرد: میل به سکونت در مناطق مخصوص به خود و میل به رفتن به مدارس خاص خود.

میل به سکونت در مناطق مخصوص به خود

با وجود پراکندگی زرتشتیان در مناطق مختلف تهران می‌توان گفت زرتشتیان تهران همچنان به صورت متمرکز زندگی می‌کنند و ترجیح می‌دهند در مناطق مخصوص به خود زندگی کنند.

«من همیشه ترجیح می‌دم تو محله‌های زرتشت‌نشین باشم» [۸].

تعداد زیادی از زرتشتیان در مناطق تهرانپارس، یوسف‌آباد، سنایی، گیشا و تخت طاووس ساکن‌اند که از قدیم هم در این مناطق می‌زیسته‌اند. پس از آن در مناطق امیرآباد، شهرک غرب، تهران ویلا، شهرآرا، میرزای شیرازی، کریم‌خان زند، حافظ، بزرگراه رسالت (دیوار شرقی مصلاهی تهران)، عباس‌آباد، سهروردی و چندین خانوار هم در جنت‌آباد پراکنده‌اند (کیومرثی، ۱۳۸۲: ۵۸).

میل به رفتن به مدارس خاص خود

بیشتر کسانی که در این پژوهش با آن‌ها مصاحبه شد، اگر پسر داشتند حتماً او را به مدرسه زرتشتی می‌فرستادند و هزینه‌هایش را متحمل می‌شدند، اما در مورد دخترها این تعصب وجود نداشت و حاضر نبودند دختران خود را به مدارس زرتشتی بفرستند که راه دوری دارند.

«خداروشکر بچه‌ها الان که کوچیکن تو مدارس زرتشتی درس می‌خونن. بچه‌های زرتشتی که به مدارس مسلمون می‌رن، وقتی که جمعه میان تو کلاسای دینی زرتشتی، نوع کلامشون، نوع رفتارشون با بقیه فرق داره، این رو نه تنها من بلکه همه معلمان هم می‌گن» [۸].

ج) به‌حاشیه رانده‌شدن اجتماعی

«به‌حاشیه رانده‌شدن^۱» مفهومی وسیع در حوزه جامعه‌شناسی است. این مفهوم درباره گروه‌هایی بیان می‌شود که در جامعه به‌نوعی به آن‌ها تبعیض شده است. از جمله تبعیض‌های مذهبی، نژادی و قومی. هر نوع تبعیضی که گروه اکثریت به اشکال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... اعمال کند، می‌تواند گروه اقلیت را از نظر اجتماعی در حاشیه قرار بدهد. زرتشتیان، اقلیتی هستند که در ظاهر می‌توان گفت در متن جامعه مسلمانان ادغام شده‌اند و به‌هیچ‌عنوان، احساس غریبگی و دراقلیت‌بودن ندارند، اما حافظه تاریخی زخم‌خورده، محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی، حس دراقلیت‌بودن را به این گروه منتقل کرده است. به همین دلیل این‌گونه تبعیض‌ها آن‌ها را به حاشیه رانده و به سمت درون‌گرایی میل داده است. با توجه به مصاحبه‌ها می‌توان «حساسیت‌ها و تبعیض‌های دولتی» و «محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی» را دو عامل حاشیه‌ای‌شدن اقلیت زرتشتی دانست.

براساس مصاحبه‌ها عواملی از قبیل «مجوزنداشتن برای ساخت اماکن مذهبی»، «تملک زمین‌ها و املاک زرتشتیان توسط دولت (تملک زمین‌های واقع در قصر فیروزه توسط نیروهای مسلح یا سالن ورزشی منورآبادیان که در حال حاضر در اختیار آموزش و پرورش است)»، «برچسب‌زنی تبلیغ دین زرتشتی برای فعالیت‌های زرتشتیان» و «احساس فشار سازمانی در استخدام دستگاه‌های دولتی» را می‌توان از مصادیق حساسیت‌ها و تبعیض‌های دولتی دانست. «اجازه ساخت اماکن مذهبی داده نمی‌شه، ولی در ساخت اماکن فرهنگی مشکلی نداریم» [۲]

«الان زمینایی داریم که مال انجمنه. زمینش مال ماست، اما گرفتن و بهمون نمی‌دن. الان زمینای قصر فیروزه دست سپاه اجاره است. البته ما اجاره ندادیم خودش گرفته و ساخته. بعد مثلاً برای اینکه حلالش کنه اومده به انجمن ۳ درصد کل اجاره سالانه رو داده. اجاره می‌ده که اونم درست و حسابی نمی‌ده» [۲].

[مصاحبه با زرتشتی‌ای که برادرش مسلمان شده است]: «بچه‌هاشون خودشونو زرتشتی می‌دونن؟ یه لحظه می‌خوان، اما تو جامعه که نمی‌تونن، می‌گن اگه من بگم زرتشتی‌ام پس فردا تو جامعه برام مشکلاتی ایجاد می‌شه؛ یعنی اگه بخوان هم نمی‌تونن» [۳].

«بله از قدیم کسانی رو می‌شناختم که تو شغل‌های دولتی بودن، ولی الان نه. از قبل انقلاب تو بانک و حتی ارتش و... اما الان ارتش اصلاً اقلیت قبول نمی‌کنه، الان بیشتر زرتشتیا شغل‌های خصوصی و شخصی دارن» [۳].

از دیگر عوامل به‌حاشیه رانده‌شدن زرتشتیان می‌توان به محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی اشاره کرد.

ذهنیت منفی زرتشتیان از مسلمانان، گاه ناشی از حافظه تاریخی زخم‌خورده این اقلیت است که میان این گروه و مسلمانان، شکافی تاریخی و ذهنی ایجاد کرده است. این بی‌احترامی‌ها که از جانب مسلمانان به این اقلیت وارد می‌شده تقریباً تا دو دهه قبل در شهرهایی مانند یزد وجود داشته است که در حافظه جمعی این اقلیت به‌ویژه در میان نسل قدیمی آنان دیده می‌شود. تبعیض‌ها و فشارهای جامعه مسلمان به این اقلیت را می‌توان از دیگر عوامل میل به فاصله‌گیری و به‌دنبال آن به‌حاشیه رانده‌شدن این اقلیت در شهر تهران دانست.

«الان چون تهران وسیع‌تره این مشکل وجود نداره، اما قدیم تو یزد و کرمان و اینا می‌گفتن. به فرض اگه طرف ساندویچی داره باید بگه که مسلمونا اگه دوست ندارن، اونجا نرن» [۳].

«مامانم همیشه یه خاطره رو یادشه و وقتی تعریف می‌کنه، اشک تو چشماش جمع می‌شه. می‌گه وقتی جوون بوده مثلاً ۳۰ سال پیش که تو یزد زندگی می‌کردن، یه روز با یکی از دوستاش داشتن تو کوچه می‌رفتن. خیلی تشنه‌شون شده بوده، بعد از یه خانوم مسلمونی که دم در خونشون وایساده بوده می‌خوان که بهشون آب بده، اونم می‌ره با آفتابه براشون آب میاره،

مامانم هروقت اینو تعریف می‌کنه، گریه‌ش می‌گیره، اون موقع هم‌کیشامونو خیلی اذیت می‌کردن» [نمونه‌ای از مصاحبهٔ اکتشافی].

د) کنش‌ها برای به‌رسمیت شناخته‌شدن اجتماعی

تبعیض‌های واردشده به هر اقلیتی و به‌حاشیه رانده‌شدن آن از جامعه سبب می‌شود آن اقلیت انسجام درونی خود را بالا ببرد و در مواردی حتی علیه تبعیض‌ها اعتراض کند تا بتواند از این طریق در جامعه به‌رسمیت شناخته شود و حقوق از دست رفتهٔ خود را بازیابد که این امر گاهی به خشونت نیز کشیده می‌شود. با توجه به این پژوهش، اقلیت زرتشتی در قانون اساسی به‌رسمیت شناخته شده و تاحدی از حقوق شهروندی برخوردار است، اما با نگاهی به درون جامعه و لایه‌های عمیق‌تر آن متوجه می‌شویم این اقلیت با تبعیض‌های فراوانی از سوی دولت و جامعه مواجه است؛ بنابراین، زرتشتیان کنش‌های درونی و بیرونی در جامعهٔ خود پیش گرفته‌اند تا از خود و دینشان در مقابل سیاست‌ها و تبعیض‌های دولتی و نگاه بدبینانه جامعهٔ مسلمانان که اغلب منشئی تاریخی دارد، حفاظت کنند.

کنش‌های درونی

کنش درونی عبارت است از مکانیسم‌ها و راه‌کارهایی که زرتشتیان برای هم‌بستگی بیشتر جامعهٔ خود و حفظ آن ارائه می‌دهند. این کنش‌ها به سه دستهٔ «افزایش کیفیت در تحصیل، مهارت‌های شغلی و هنر»، «تشویق به فرزندآوری در نهادهای رسمی زرتشتی» و «افزایش حس هم‌بستگی و افزایش انسجام درونی» تقسیم می‌شود.

افزایش کیفیت در تحصیل، مهارت‌های شغلی و هنر

«این روال همچنان ادامه داره که خونواده بتونه بچهٔ خوب و تحصیل‌کرده‌ای تربیت کنه، اصل مهم همینه» [۸].

«ما کسایی رو داشتیم که قبل انقلاب تو وزارتخونه بودن. طرف زرتشتی بوده، بعد از انقلاب اومدن پاک‌سازی کردن. بیرونش کردن. بعد دیدن که کار خوابیده. ناچار شدن برن دنبالش، برش گردونن» [۶].

«خلاصه‌ی به‌همچین برنامه‌ای تو خانه فرهنگ و هنر داریم که هنرمندان رو پرورش بدیم و قوی کنیم» [۸].

تشویق به فرزندآوری

«مصوب شد به‌صورت حساب پس‌انداز مسکن جوانان هدیه پانصد هزارتومانی برای نوزادانی که از اول امرداد ۸۹ پا به عرصه گیتی می‌گذارند، یک وام یک‌میلیونی از طرف انجمن پیشکش شود» (اورمزدی، ۱۳۸۹: ۷).

افزایش حس هم‌بستگی و حفظ انسجام درونی

با توجه به مصاحبه‌ها، مطالعه رسانه‌های داخلی زرتشتیان و مشاهدات به‌نظر می‌رسد این اقلیت برای افزایش حس هم‌بستگی در میان همکیشان خود، مکانیسم‌هایی مانند «تعمیق فرهنگ افتخارکردن به زرتشتی‌بودن»، «تعمیق باورها و ارزش‌ها»، «برگزاری اردوهای دانش‌آموزی»، «تشویق به رفتن به مدارس مخصوص زرتشتیان»، «ارائه راهکارهایی برای افزایش ازدواج و کاهش طلاق» و «حفظ و آموزش زبان دری و خط دین‌دبیره (زبان دینی زرتشتیان)» را به‌صورت مداوم به‌کار می‌گیرد و سعی دارد حس تعلق به گروه را در میان زرتشتیان افزایش دهد و آن‌ها را بیش از پیش منسجم کند.

«اگر ما زرتشتیان فرهنگ و سنت‌های والای خویش را به نیکی بشناسیم، همیشه و در همه جا با افتخار می‌گوییم ما زرتشتی هستیم» (خسرویانی، ۱۳۸۸: ۳).

«فرقه‌های متفرقه روی سنت‌ها دست گذاشته‌اند و قصد تحریف سنت‌ها و آیین‌ها را دارند تا نسل جوان را از ارزش‌های آیینی دل‌زده کنند؛ از این‌رو باید جوانان زرتشتی را آگاه کرد و برای این منظور یاری‌رسانی و هم‌آموزی همه گروه‌های زرتشتی به‌ویژه فرهیختگان و پژوهشگران و اندیشمندان جامعه به انجمن موبدان و همچنین نقش والدین و خانواده‌ها در آموزش درست سنت‌ها به نحو شایسته‌ای به فرزندانشان مورد توجه است» (بلیوانی، ۱۳۸۹: ۳).

«انجمن زرتشتیان تهران، پیک‌نیک دانش‌آموزان زرتشتی را ۳۱ تیرماه در مارکار تهران‌پارس برگزار کرد. در این برنامه تفریحی نزدیک به ۳۵۰ دانش‌آموز حضور داشتند که از ساعت ۸ بامداد تا ۱۷ با برنامه‌های گوناگون سرگرم شدند» (فرودی، ۱۳۹۰).

از آنجا که ضروری است زرتشتیان برای ازدواج با مسلمانان تغییر مذهب دهند، به‌منظور حفظ دین و جامعه خود، همکیشانان را به ازدواج‌های درون‌همسری سوق می‌دهند و سعی می‌کنند شرایطی را برای آن‌ها فراهم کنند؛ مانند برگزاری مهمانی‌های مخصوص به خود، دادن امکانات به زوج‌های جوان از جمله وام ازدواج به تازه ازدواج کرده‌ها، مسکن اجاره‌ای ارزان به زوج‌هایی که توان مالی بالایی ندارند (مانند خانه‌های مجتمع مسکونی رستم باغ) و برگزار عقد با هزینه‌های ارزان فراهم کنند.

«اما خب الان طلاق خیلی بیشتر شده. قدیم خیلی طلاق رو بد می‌دونستن و البته مواردی بوده که طرف دلیل داشته؛ مثلاً بچه‌دار نمی‌شده و... جدا شده. الان این‌قدر راحت شده که موبدهای ما به این فکر افتادن که تو قانون یه تبصره‌ای یا چیزی اضافه کنن که به زن‌ها بعد طلاق نفقه‌ای تعلق بگیره؛ چون ما اصلاً هیچ حقوقی بعد طلاق برای زنامون تو احوال شخصیه و... نداریم» [۲].

«از وظایف کمیسیون فرهنگی این است که سطح آموزشی مدارس زرتشتی را به‌گونه‌ای ارتقا دهد که تمام دانش‌آموزان زرتشتی جذب این مدارس شوند» (پرخیده، ۱۳۸۹: ۷).
«زبان دری و دین‌دبیره رو همه بلدن؟ اولاً دری که مخصوص یزدیاست. کرمونیا صحبت نمی‌کنن، اما خیلایشون می‌گن می‌فهمیم، اما نمی‌تونیم حرف بزیم، ولی خط دین‌دبیره رو تو مدرسه یاد می‌دن، اوستایی رو می‌شه فهمید؛ چون بعضی کلماتش فارسیه، اما گاتها رو نه؛ چون اون به زبان دین‌دبیره است و سخته باید یاد گرفت. ما خودمون تو مدرسه یاد گرفتیم» [۸].

کنش‌های بیرونی

در این کنش‌ها بیان می‌شود که زرتشتیان چه ارتباطاتی در جامعه دارند و در برابر فشارهای اجتماعی و حفظ جامعه خود چه اقداماتی انجام می‌دهند تا بتوانند خود را بیشتر به رسمیت بشناسانند. «واکنش به بی‌احترامی و توهین به مقدسات زرتشتی در رسانه‌های عمومی»، «اعتراض به واژه اقلیت و اعتراض به تبعیض‌ها» و «فشارهای اعمال شده بر زرتشتیان نزد مسئولان کشوری» از جمله کنش‌های بیرونی زرتشتیان برای به‌رسمیت شناخته‌شدن هرچه بیشتر است.

واکنش به بی‌احترامی و توهین به مقدسات زرتشتی در رسانه‌های عمومی

با توجه به رسانه‌های زرتشتیان درمی‌یابیم که آن‌ها در برابر توهین به مقدساتشان در رسانه‌های عمومی واکنش نشان می‌دهند و سعی دارند سنت‌های درست خود را به دیگران بشناسانند و اجازه ندهند به‌طور رسمی به آن‌ها اهانت شود؛ بنابراین در برابر این‌گونه مسائل واکنش نشان می‌دهند.

«سایت خبری البرز در خبری تأسفانگیز که گواه مظلومیت جامعه زرتشتیان ایران است، اقدام به تخریب چهره زرتشتیان نموده است. دلیل تهیه این خبر نیز ادعای این سایت مبنی بر شانس گروه یا فردی زرتشتی برای کسب مسئولیت در اتحادیه صنفی شهرستان کرج است. این سایت نمی‌تواند بپذیرد که زرتشتیان نیز شهروند درجه یک به حساب می‌آیند و می‌توانند با دیگر همکارانشان برای کسب یک صندلی مدیریتی آن هم در یک صنف شهرستانی رقابت کنند» (شهرت، ۱۳۹۰).

اعتراض به تبعیض‌ها و فشارها بر زرتشتیان نزد مسئولان کشوری

زرتشتیان در دیدارهایی با مسئولان جمهوری اسلامی اعتراض‌های خود را مبنی بر تحقق‌نیافتن حقوق اقلیت ابراز می‌دارند؛ برای مثال اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس با چند تن از مسئولان جامعه زرتشتی در مارکار تهرانپارس در اردیبهشت ماه سال ۸۹ دیدار کردند و از مشکلات جامعه زرتشتی پرسیدند. فرازنامه گزارش این دیدار را این‌گونه منتشر کرد:

«خسرویانی مشکل موقوفات زرتشتیان به‌ویژه زمین‌های قصر فیروزه را یادآور شده و از ۴۴ میلیون مترمربع زمین‌های قصر فیروزه که برای اجاره آن سالانه ۱۶۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده گفت و این مبلغ را ناچیز دانست. وی با اشاره به اجاره‌نامه گفت که تمامی ساخت‌وسازها در این زمین، باید با هماهنگی مالک یعنی انجمن زرتشتیان تهران انجام شود، اما ساخت‌وسازهای فراوانی از آن زمان تاکنون بدون موافقت انجمن روی داده است» (خسرویانی، ۱۳۸۹: ۱).

اعتراض به واژه اقلیت یکی دیگر از مواردی است که زرتشتیان ابراز می‌کنند. آن‌ها معتقدند این واژه منفی، و به معنای محدودیت است. از آنجا که زرتشتیان وطن، زادگاه و خاستگاه خود

را ایران می‌دانند، به اینکه در اقلیت قرار بگیرند و به‌عنوان شهروند درجه دو شناخته شوند، معترض‌اند.

«در ستاد هماهنگی تبلیغات اسلامی، خسرویانی رئیس انجمن زرتشتیان تهران گفت که واژه اقلیت به معنای محدودشدن و کم‌شدن است. ما دوست داریم واژه اقلیت از روی هموطنان نامسلمان برداشته شود» (خسرویانی، ۱۳۸۸: ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اساسی پژوهش حاضر این بود که زیست اجتماعی زرتشتیان به‌عنوان یکی از سه اقلیت دینی قانونی در شهر تهران چگونه است؟ پژوهشگر با کمک مفاهیم «هماندگری»، «چندفرهنگ‌گرایی» و «به‌رسمیت شناخته‌شدن» از خلال مشاهدات، اسناد و یازده مصاحبه عمیق به چهار مقوله «علل کاهش جمعیت»، «تمایز میان خود و دیگری»، «به حاشیه رانده‌شدن» و «کنش‌ها برای به‌رسمیت شناخته‌شدن اجتماعی» برای توضیح زیست اجتماعی زرتشتیان دست یافت.

با آنکه زرتشتیان در مجلس، نماینده دارند، در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند و اجازه برگزاری مراسم در محل‌های مخصوص به خود را دارند، از نظر اجتماعی چندان رسمیتی ندارند و مورد تبعیض‌های اجتماعی مختلفی قرار گرفته‌اند. این تبعیض‌ها اغلب وجهی تاریخی دارند که در حافظه جمعی این اقلیت باقی مانده‌اند. زرتشتیان به‌دلیل انگ‌هایی چون «آتش‌پرست» و «نجس‌بودن» از حافظه تاریخی مجروحی رنج می‌برند. این موضوع نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه رابطه زرتشتیان با مسلمانان ایرانی در دوره‌های اخیر و شاید از مشروطیت تاکنون هیچ‌گاه بحرانی و همراه با تعارض‌های خشن نبوده است، انکار یا مخفی کردن هویت دینی توسط زرتشتیان به عادت رفتار تبدیل شده است. «سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولتی» از جمله مواردی است که پنهان کردن هویت دینی را در میان زرتشتیان تقویت کرده است. استخدام‌نشدن در ارتش، سختگیری برای استخدام در برخی نهادهای دولتی، اجازه‌نداشتن برای ساخت اماکن مذهبی، ممنوعیت ورود مسلمانان به جشن‌ها،

مجوزنداشتن برای برگزاری علنی جشن‌ها و مناسک، نمونه‌هایی است که اغلب زرتشتیان به‌عنوان سیاست‌های تبعیض‌آمیز از آن نام می‌برند.

زرتشتیان سعی می‌کنند با نپذیرفتن غیر زرتشتیان در اجتماعات خود، پرهیز از ازدواج با غیر زرتشتیان، تلاش برای زیست در مناطق خاص خود و تحصیل فرزندان در مدارس ویژه زرتشتیان، حس تعلق و هم‌بستگی را در میان خود افزایش داده و به کیفیت زندگی خود از خلال اهمیت دادن به پیشرفت شغلی و تحصیلی بیفزایند؛ بنابراین، سعی می‌کنند برای حفظ دین خود و به‌رسمیت شناخته شدن در جامعه و از دست ندادن حقوق قانونی خود، به شکلی کاملاً مسالمت‌آمیز در میان جامعه مسلمان ایرانی به زیست آرام خود ادامه دهند. با توجه به آنچه گذشت، زرتشتیان ایران از نظر زیست اجتماعی، وضعیت خودویژه‌ای دارند و برخورد حکومت و جامعه با آنان را با هیچ‌یک از دو الگوی همانندگری و چندفرهنگ‌گرایی نمی‌توان تبیین کرد. آن‌ها در عین اینکه به رسمیت شناخته شده‌اند و زندگی مسالمت‌آمیزی با اکثریت مسلمان دارند، از نظر برابری حقوق اجتماعی و سیاسی با تبعیض‌هایی مواجه هستند.

منابع

- اورمزدی، اردشیر (۱۳۸۹)، «دانش‌آموزان سرمایه‌های جامعه زرتشتیان هستند»، *فراژنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۲۷: ۷.
- بلیوانی، بهرام (۱۳۸۹)، «جشن اردیبهشتگان در تهران»، *فراژنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۲۵: ۳.
- پرخیده، بزرگمهر (۱۳۸۹)، «گفت‌گو با بزرگمهر پرخیده»، *فراژنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۷: ۲۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- خسرویانی، رستم (۱۳۸۸)، «جشن اردیبهشتگان»، *فراژنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۲۵: ۳.

- خسرویانی، رستم (۱۳۸۹)، «سرنشین انجمن در ستاد هماهنگی تبلیغات اسلامی سخنرانی کرد»، *فرازنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۲۲: ۱.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۸)، *دین در شهر*، منتشرشده در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- شهرت، رشید (۱۳۹۰)، *آشفستگی یک سایت خبری از تلاش زرتشتیان برای گرفتن یک مسئولیت کوچک*، سایت برساد.
- فرودی، فیروزه (۱۳۹۰)، *پیک‌نیک دانش‌آموزی در مارکار تهرانپارس: دوستی‌های تازه همراه با بازی و شادی*، سایت اُمرداد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی (۱۳۶۸)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیومرثی، جمشید (۱۳۸۲)، *زرتشتیان از دوران مشروطه تا امروز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران: ایران.
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مرادیان، بهنام (۱۳۸۹)، «برگزاری شانزدهمین نشست نمایندگان جوان انجمن‌ها و نهادهای زرتشتی سراسر کشور»، *فرازنامه* (نشریه داخلی انجمن زرتشتیان تهران)، شماره ۲۷: ۱۲.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی همگرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ملی*، شماره ۲: ۲۵-۴۳.
- مصباحیان، حسین (۱۳۹۰)، «سخنرانی دربارهٔ برابری در آرای شریعتی»، *بنیاد شریعتی*، تهران.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- Akgönül, S. (2011), *Synthèse Finale: Dans Le Minorités Religieuses, Visibilité Et Reconnaissance Dans L'espace Public* Colloque Des 7-8 Avril 2011, Strasbourg: Université De Strasbourg.
- Altinordu, A. (2010), "The Politicization of Religion: Political Catholicism and Political Islam in Comparative Perspective", *Politics and Society*, No. 38: 38-59.
- Amghar, S. Amel B. and Michael E. (2007), "European Islam Challenges for Public Policy and Society", *Centre for European Policy Studies Place Du Congrès 1*: Brussels.

- Brighenti, A. M. and Cristina M. (2007), **Urban Environments: Territories, Prolongations, Visibilities**, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Brighenti, A. M. (2010), **Visibility in Social Theory and Social Research**, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Brubaker, R. (2003), **The Return of Assimilation? Changing Perspectives on Immigration and Its Sequels in France, Germany and The United States**, in C. Joppke and E. Morawaska (Eds) *Toward Assimilation and Citizenship: Immigrants in Liberal Nation-States*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Eisenstaedt, S. N. (2000), "The Resurgence of Religious Movements in Processes of Globalization – Beyond End of History or Clash of Civilizations", **International Journal on Multicultural Societies (IJMS)**, No.1: 70-95.
- Isabelle R. (2011), **L'Islam Médiatique: Stratégies De Visibilisation Dans Le Minorités Religieuses: Visibilité et Reconnaissance Dans L'espace Public** Colloque Des 7-8 Avril 2011, Strasbourg: Université De Strasbourg.
- Sandoff, M. and Gill W. (2008), "Coping with Discipline, Discipline and Dilemmas among Teachers and Warders", **The International Journal of Sociology and Social Policy**, Patrington, No. 28: 50-72.
- Vasta, E. (2007), **Accommodating Diversity: Why Current Critiques of Multiculturalism Miss the Point**, Centre on Migration, Policy and Society: University of Oxford.